



دوره ۴۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صفحات ۳۷۹ تا ۳۹۹

جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)

محمدجواد فتاحی *

دانشیار دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران

فضل‌اله امیرحاجلو

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۲/۶)

چکیده

تخصصی و پیچیده بودن کشف و اثبات قاچاق کالا، مقابله مؤثر با مرتکبان آن از طریق اعمال سریع و حتمی مجازات و بازگرداندن سریع حقوق از دست‌رفته دولت به خزانه کشور و درعین حال، حمایت از سرمایه‌گذاری سالم و کمک به گشایش و رونق اقتصادی در کشور، در کنار آثار زیان‌بار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی قاچاق کالا که حاکمیت را به چالش می‌کشاند، از مهم‌ترین ضرورت‌های پیش‌بینی مقرراتی ویژه برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا است. اما برخی از این مقررات ویژه و جلوه‌های افتراقی شدن مانند اعطای صلاحیت رسیدگی به سازمان تعزیرات حکومتی و حذف نهاد تعقیب از فرایند رسیدگی به موارد در صلاحیت آن سازمان، تعیین محدودیت زمانی برای ارائه مدارک مثبت گمرکی از سوی متهم و نیز صدور رأی از سوی مرجع رسیدگی‌کننده، گزارش قاچاق به مراجع رسیدگی‌کننده قبل از بررسی مدارک گمرکی و قابل فرجام‌خواهی نبودن آرای شعب تجدیدنظر سازمان تعزیرات حکومتی، از تحقق اصول و تضمینات دادرسی منصفانه از جمله اصل دسترسی به دادگاه، اصل استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده، اصل برائت، اصل برابری سلاح‌ها و نیز از اعمال برخی حقوق دفاعی متهم مانند حق داشتن فرصت و امکانات کافی برای تدارک دفاع و حق اعتراض به رأی در موارد تجویز اعاده دادرسی، مانع شده است. این مقاله، پس از شناسایی جلوه‌های افتراقی دادرسی قاچاق کالا در مقررات حاکم و سپس تطبیق مهم‌ترین آنها با اصول دادرسی منصفانه، مواردی را که آن اصول با اتخاذ رویکرد افتراقی نادیده گرفته شده است، مشخص کرده و اصلاحاتی را پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی

اصول دادرسی منصفانه، دادرسی افتراقی، قاچاق کالا، گمرک، سازمان تعزیرات حکومتی.

مقدمه

سخن از آیین دادرسی ویژه‌ای با عنوان آیین دادرسی کیفری در امور اقتصادی، از مدت‌ها پیش مطرح شده است و مسؤولان اذعان دارند که دستگاه‌های قضایی، نظارتی، بازرسی، امنیتی و انتظامی باید با ظرافت و با اعمال رویه‌های مناسب و تدبیر و جامع‌نگری، با مفسد اقتصادی برخورد کنند و ضمن برخورد قاطع با مفسدان، موجب احساس ناامنی در میان مولدان اقتصادی و کارآفرینان و تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی و بیکاری کارگران و خروج سرمایه‌داران و سرمایه‌ها از کشور نشوند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۲۹). درحالی‌که چنین مقررات ویژه‌ای تاکنون تصویب نشده، بررسی سابقه قانونگذاری درباره قاچاق کالا به‌عنوان یکی از مصادیق مهم جرائم اقتصادی، نیز بیانگر آن است که پس از انقلاب، مقنن بنا بر مقتضیات اقتصادی کشور، به اتخاذ سیاست جنایی افتراقی و به تبع آن، رویکردی افتراقی در خصوص آیین رسیدگی به این جرم گرایش داشته است.

پس از ظهور پراکنده و ناقص جلوه‌های دادرسی افتراقی در مقررات پیشین، در نهایت، مقنن به شکل انسجام‌یافته و موجه‌تری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، به طراحی نظام دادرسی افتراقی پرداخته که مهم‌ترین موارد آن عبارت‌اند از:

الف) اعطای صلاحیت رسیدگی عمده موارد قاچاق کالا و ارز به سازمان تعزیرات حکومتی (ماده ۴۴)؛

ب) تعیین محدودیت زمانی برای متهم جهت ارائه مدارک مثبت گمرکی و اثبات بی‌گناهی خود (ماده ۵۲)؛

ج) الزام به صدور رأی نهایی ظرف یک ماه (اگرچه موارد استثنای پیش‌بینی شده، بیشتر از اصل است) (ماده ۴۵)؛

د) الزام به صدور قرار وثیقه در مورد خاص؛ پرونده‌هایی که ارزش کالای قاچاق موضوع آنها بالای یکصد میلیون ریال باشد (تبصره ۲ ماده ۴۱)؛

ه) الزام به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متهم در حدود جزای نقدی احتمالی در پرونده‌های قاچاق کالای ممنوع، سازمان‌یافته و حرفه‌ای یا پرونده‌های با ارزش کالای بیش از یکصد میلیون ریال قبل از صدور رأی قطعی (ماده ۴۸)؛

و) اعطای حق تجدیدنظرخواهی به دادستان یا دستگاه‌های مأمور وصول عایدات دولت و اعطای همزمان چنین حقی به ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و دستگاه کاشف (تبصره ۳ ماده ۵۰)؛

ز) اعطای اختیار تقاضای تعقیب و رسیدگی به ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مورد پرونده‌های موضوع این قانون و جرائم مرتبط از بدو تشکیل پرونده تا مرحله اجرای احکام (ماده ۶۱)؛

ح) اعطای اختیار تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات و شناسایی دارایی‌های شبکه‌های اصلی و گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز به مأمورین وزارت اطلاعات در کنار ضابطین عام (ماده ۳۹)؛

ط) اعطای حق تجدیدنظرخواهی ویژه به رئیس سازمان تعزیرات حکومتی (ماده ۱۰ و تبصره ۴ ماده ۵۰ قانون اصلاح موادی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب مهرماه ۱۳۹۴)؛

ی) امکان وصول جرمه نقدی از محل وثیقه سپرده‌شده از سوی افراد غیر از متهم، در صورتی که متهم ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی به پرداخت آن اقدام نکند (ماده ۶۰)؛
 س) تکلیف سازمان تعزیرات حکومتی به تبعیت از نظر مرجع قضایی در موارد حدوث اختلاف در صلاحیت، برخلاف قواعد عام مصرح در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ (تبصره ماده ۴۴ اصلاحی ۱۳۹۴/۷/۲۱).
 در مقاله پیش رو، در پرتو اصول دادرسی منصفانه^۱ مواردی افتراقی در مقررات دادرسی قاچاق کالا، در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و سپس رسیدگی مراجع صالح، با نگاهی به ریشه‌های آن در مقررات قبلی، بررسی می‌شود تا مشخص شود قانونگذار، در چه مواردی، ناهمسو با آن اصول پیش رفته و زمینه‌ساز چالش‌هایی شده است.

۱. مقررات افتراقی در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی در خصوص قاچاق کالا و ارز مصوب^۲ ۱۳۷۴ (ماده ۲)، قبل از مرحله رسیدگی مراجع قضایی یا شعب تعزیرات حکومتی، مرحله رسیدگی اداری پیش‌بینی شده بود. عین کالاهای مکشوفه به ظن قاچاق، بایستی به ادارات مأمور وصول عایدات دولت تحویل می‌شد تا ظرف پنج روز با تعیین بهای مال و سپس تحقیق از متهم و بررسی اسناد مثبت گمرکی - که ممکن بود ارائه شود - پرونده تکمیل می‌شد و در صورت احراز قاچاق، نسبت به ضبط کالا و در صورتی که بهای کالا بیش از ده میلیون ریال تعیین می‌شد، علاوه بر ضبط، نسبت به تعیین جریمه به میزان دو برابر بهای کالا اقدام کنند. در صورت پرداخت جریمه در مرحله اداری، پرونده در همان مرحله، مختومه می‌شد، و الا پرونده، جهت تعقیب کیفری، حداکثر ظرف پنج روز از زمان کشف، حسب مورد به مرجع قضایی یا شعبه تعزیرات حکومتی ویژه رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز ارسال می‌شد. به عبارتی، ارسال پرونده به مراجع مذکور، منوط به احراز قاچاق از سوی اداره مأمور وصول عایدات دولت و سپس شکایت آن اداره، به‌عنوان سازمان شاکی بود.

وجود سازمان شاکی، میان سازمان کاشف و مرجع صالح به رسیدگی، مقرر افتراقی حکیمانه‌ای بود که از یک طرف با توجه به تخصصی بودن احراز قاچاق، در بسیاری موارد از احضار، جلب و بازداشت افراد مظنون به ارتکاب قاچاق، قبل از تحقیق کافی و بررسی مدارک مثبت گمرکی که ممکن بود ارائه شود، جلوگیری می‌کرد و از طرف دیگر، با احراز قاچاق در مرحله اداری، بسیاری از متهمان برای پرهیز از تعقیب کیفری، متقاعد به پرداخت جریمه می‌شدند که در این صورت نیز،

۱. قواعد دادرسی عادلانه یا منصفانه، مجموعه تضمین‌های قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب جرم قرار می‌گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیم عادلانه به دور از اشتباهات قضایی منظور گردیده است (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۴۴).

۲. در این مقاله از این قانون به‌عنوان «قانون قبلی» و از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان «قانون جدید» نام برده می‌شود.

حقوق دولت با سرعت و به‌نحو کاملی استیفا و در عین حال از تعقیب کیفری متهم، البته برای یک‌بار، جلوگیری می‌شد.^۱ به‌علاوه، در صورتی که پس از شکایت و در اثنای رسیدگی مرجع صالح، براساس نتیجه بررسی دلایل و مدارک ابراز شده از سوی متهم یا تحصیل شده از سوی خود سازمان شاکی، ظن قاچاق منتفی می‌شد، امکان استرداد شکایت نیز وجود داشت (طبق ماده ۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق اصلاحی ۱۳۵۳).

با اجرایی شدن قانون جدید و حذف مرحله رسیدگی اداری گمرک، گزارش‌های قاچاق، برخلاف اقتضای «اصل برائت»^۲، قبل از بررسی مدارک مثبت گمرکی (طبق ماده ۴۷) به مراجع رسیدگی‌کننده ارائه می‌شد و در بسیاری موارد به ناحق موجب بروز مشکلاتی از جمله تودیع وثیقه و بازداشت در صورت عجز از تودیع وثیقه و تعطیلی کسب‌وکار و خدشه به حیثیت اجتماعی و تجاری اشخاص می‌شد. از طرف دیگر، بسیاری از کشفیات مأموران انتظامی، پس از رسیدگی به مدارک ابرازی متهمان، با احراز ورود قانونی کالاها، در نهایت به برائت متهمان و رفع ظن قاچاق از کالا منجر می‌شود. البته، گمرک همچنان به‌عنوان یکی از دستگاه‌های کاشف^۳، در خصوص موارد مظنون به قاچاقی که در اماکن گمرکی کشف می‌شود، قبل از اعلام به مرجع رسیدگی‌کننده، بررسی و در صورت احراز قاچاق، گزارش می‌کند.^۴ ولی در حال حاضر، حتی اگر متهم حاضر به پرداخت جریمه نقدی در مرحله اداری باشد، اختیار وصول جریمه و انصراف از تعقیب کیفری برای دستگاه مأمور وصول عایدات دولت، پیش‌بینی نشده است.

۱. در قانون گمرک ایتالیانیز اختیار قانونی گمرک در حذف جرم قاچاق در مواردی که طبق قانون، مجازات‌ها تنها شامل اخذ جریمه می‌شود تا حدود زیادی حجم ارجاع تخلفات گمرکی به مراجع قضایی را کاهش داد و با تسریع فرایند رسیدگی، توانمندی همیستم قضایی را برای بررسی جرایم مهم افزوده است (مجتهد، داود، ۱۳۸۸، ۵۶).

۲. اصل برائت نه‌تنها محدود به مرحله پس از ایراد رسمی اتهام نیست و همه وضعیت‌ها را، حتی پیش از تنظیم اتهامات، با قطع نظر از اینکه مقررات مربوط به آن از کجا آمده باشد، در برمی‌گیرد، بلکه شمول آن نسبت به مظنون به طریق اولی مسلم است و حتی باید در مورد کسی که هنوز اتهام تأییدشده اولیه‌ای علیه او وجود ندارد، قوی‌تر باشد.

- C.J.M. Safferling Towards an International Criminal Procedure, Oxford University Press, 2001, at 67, C. Van den Wyngaert (ed), Criminal Procedure Systems in the European Community, London Butterworths, 1993, at 15.

۳. طبق ماده ۳۶ قانون جدید، دستگاه‌هایی که در حدود وظایف محوله قانونی، کاشف در امر قاچاق محسوب می‌شوند عبارت‌اند از: الف) وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ب) وزارت جهاد کشاورزی پ) گمرک جمهوری اسلامی ایران در محدوده اماکن گمرکی ت) سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ث) سازمان حفاظت محیط زیست ج) سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چ) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ح) شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران خ) شرکت سهامی شیلات ایران د) شرکت دخانیات ایران به‌علاوه، ضابطین نیز در حدود وظایف محوله قانونی خود کاشف محسوب می‌شوند.

۴. پس از تصویب قانون جدید، گمرک ایران به‌منظور اجرای هماهنگ آن و اتخاذ رویه واحد در گمرکات اجرایی، دستورالعمل «نحوه تشکیل، بررسی و پیگیری پرونده‌های قاچاق کالا و ارز» را تهیه و ابلاغ کرده که براساس آن برحسب اینکه کاشف گمرک باشد یا سایر دستگاه‌ها، وظایف و اختیارات گمرک، با توجه به قانون جدید مشخص شده است.

با این مقدمه و توضیحی که خواهد آمد، به‌نظر می‌رسد مقررات حاکم بر قاچاق در خصوص ضابطان دادگستری، نهاد تعقیب، قرارهای تأمین و کارشناسی در مقایسه با قانون آیین دادرسی کیفری، در مواردی با رویکردی افتراقی، وضع شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱.۱. تعیین ضابطانی ویژه و متخصص برای مبارزه با قاچاق کالا

در فصل دوم از بخش دوم آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به بیان وظایف ضابطان دادگستری (ماده ۲۸) و تعریف و احصای ضابطان عام و خاص (ماده ۲۹) پرداخته شده است. جرائم اقتصادی از جمله قاچاق کالا، ویژگی‌هایی دارند که با ملاحظه آنها، مداخله ضابطانی ویژه در کشف جرم و جمع‌آوری ادله و نیز انجام تحقیقات مقدماتی ضرورت می‌یابد. رؤیت‌ناپذیری جرائم اقتصادی، به‌دلیل اینکه در بستر فعالیت تجاری و با حضور قانونی مرتکبان در صحنه وقوع جرم، ارتکاب می‌یابند (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۶۶)، تخصصی و ماهرانه و زیرکانه بودن نحوه ارتکاب و نیز نحوه کشف و لزوم آگاهی ضابطان به مقرراتی که مرتکبان در سایه استناد به آنها رفتار خود را توجیه می‌کنند و شناخت مدارک مورد استناد آنها- که در ظاهر از سوی مراجع صالح، وفق مقررات صادر شده‌اند - و اهمیت عناصر هوش و دانش و تجربه در مواجهه با متهمان پرونده‌های اقتصادی، از دلایل ضرورت اختصاص ضابطانی ویژه در این زمینه است. ضابطان ویژه در خصوص قاچاق کالا را می‌توان در سه دسته مطرح کرد:

الف) در قانون جدید با توجه به نوع کالاهایی که معمولاً موضوع قاچاق قرار می‌گیرند، به دستگاه‌های دولتی مرتبط با آنها- که به مقررات صادرات و واردات مختص به کالاهای حوزه وظایف خود آگاهی مستمر دارند- اختیار کشف قاچاق داده شده است. وجود «سازمان کاشف» به تعبیر آیین‌نامه اجرایی قانون قدیم مصوب ۱۳۷۹/۳/۱۹ هیأت وزیران و «دستگاه کاشف» طبق قانون جدید، مقرره‌ای افتراقی است که در مورد جرائم دیگر نمی‌بینیم.

برخی کشورها نیز صلاحیت کشف جرم قاچاق را با صراحت یا به‌طور ضمنی، برای اشخاص متخصص، تعریف کرده‌اند و بر این باورند که با توجه به تأثیر قاچاق بر امنیت جهانی، تروریسم اقتصادی و تحقق جرائم سازمان‌یافته بین‌المللی، متخصصان امور گمرکی به‌ویژه کارمندان متخصص در امر کشف، به‌نحوی مؤثر و کافی بر منع قاچاق و کشف تخلفات گمرکی قادر خواهند بود (Vasileska & Miloshoska, 2015: 2). همچنان که مأموران گمرکی بنا به تجربه و تخصص خود، با بررسی اداری به‌راحتی می‌توانند در خصوص ورود مجاز یا غیرمجاز کالاهای مکشوفه به ظن قاچاق، اظهارنظر کنند.

ب) اعطای اختیارات ضابطان دادگستری به مأموران وزارت اطلاعات در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز نیز ریشه در پیچیدگی کشف پرونده‌های قاچاق سازمان‌یافته و تخصصی بودن امر جمع‌آوری دلایل ارتکاب قاچاق و ضرورت ردگیری و ردیابی فناورانه و ظریف و غیرمحسوس اقدامات مقدماتی و اجرایی متهمان این پرونده‌ها دارد.

تا قبل از تصویب قانون جدید، وزارتخانه مذکور، در خصوص قاچاق ارز (ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۹ هیأت وزیران) و نیز قاچاق کالا که کلان و گسترده بود یا موجب اخلال در امنیت اقتصادی می‌شد (بند «ب» ماده ۱۲۴ بخش پنجم قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۳۸۳) ضابط دادگستری تلقی می‌شد و اینک به موجب ماده ۳۹، وزارت اطلاعات موظف شده با هماهنگی مرجع قضایی یا اعلام دستگاه کاشف یا رأساً اقدام به شناسایی شبکه‌های اصلی و گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز و دارایی آنها و تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات کند. با این حال، ناگفته نماند که در این موارد به دلیل اهمیت و اقتدار سازمان کاشف، ممکن است حقوق متهمان محدود شود.

ج) در قانون جدید، برای نخستین بار به ستاد اجازه داده شده تا در خصوص پرونده‌های مربوط به جرائم موضوع این قانون و یا جرائم مرتبط، حسب مورد از طریق دادستان، تعقیب و رسیدگی به پرونده را از بدو تشکیل تا مرحله اجرای احکام، از مراجع رسیدگی‌کننده تقاضا کند.

در راستای تخصص‌گرایی در کشف جرائم اقتصادی از جمله قاچاق کالا، می‌توان به راه‌اندازی معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی و نیز ادارات تخصصی در پلیس آگاهی و طرح تشکیل پلیس اقتصادی اشاره کرد.

۲. ۱. حذف نهاد تعقیب از فرایند رسیدگی به عمده موارد قاچاق کالا

دادسرا به نمایندگی از جامعه، وظیفه کشف کلیه جرائم و تعقیب متهمان را بر عهده دارد و بدون آنکه حق دادرسی داشته باشد، کیفرخواست را آماده و رسیدگی دادگاه را تسهیل می‌کند (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۰۱) و چون مالک دعوای عمومی نیست، به میل خود حق تصرف در آن ندارد (استفانی و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۵۸)، زیرا دادستان موظف است مدافع عدالت باشد و هیچ‌گاه برای حتمیت و قطعیت محکومیت، «به هر قیمتی»، تلاش نکند. وظیفه اصلی دادسرا، کشف و افشای مکتومات مرتبط و مؤثر بر دادرسی پیش از تشکیل جلسه دادگاه، برای تمهید دفاع از عدالت و به‌منظور احقاق حق متهم در دادرسی عادلانه است (Hannibal & Mountford, 2016: 24). برای دفاع از حقوق متهم و جامعه در امتداد یکدیگر، شایسته است نهاد تعقیب، فعالیتی به موازات نهاد رسیدگی‌کننده داشته باشد یا به اصطلاح، فعالیت عمودی دادستان^۱ موردنظر باشد، بدین ترتیب وی باید پرونده را به‌طور مستقل اداره کند و مسؤولیت آن را از زمان تنظیم کیفرخواست تا پیگیری اجرای مجازات احتمالی بر عهده داشته باشد و اطمینان حاصل کند که اقدامات حرفه‌ای و دقیق در خصوص پرونده انجام گرفته است تا حق متهم و جامعه هر دو حفظ شود (Worral & Borakove, 2008: 38). نهاد تعقیب، مهم‌ترین وظیفه، یعنی آشکار کردن تناقضات و جوانب مبهم در ادله از جمله شهادت و امارات قضایی را بر عهده دارد (Mc Donald, 1979:19).

1. The vertical prosecutor

از طرفی، وجود دادستان مستقل^۱ (استقلال نهاد تعقیب)، تضمین‌کننده دادرسی عادلانه، منطبق بر مجرمیت حقیقی خواهد بود. در بسیاری پرونده‌ها، دادستان مستقل، نه تنها در پی محکومیت متهم، بلکه مصرّ بر روشن شدن حقیقت امر است و این مقوله با اینکه نهاد تعقیب، خود شاکی یا وابسته اساسی به شاکی باشد، در تناقض آشکار خواهد بود. بدین ترتیب، میزان استقلال نهاد تعقیب، به وضوح نشان‌دهنده میزان انطباق نتیجه رسیدگی بر مواضع عادلانه است (Bayne, 2016: 95).

با این وصف، در خصوص قاچاق کالا و ارز، قانونگذار مقرر کرده مواردی از جرم قاچاق - که در خصوص کالاهای «مجاز»، «مجاز مشروط» و «یارانه‌ای» ارتکاب می‌یابد، لیکن سازمان یافته تلقی نشده یا مرتکب آن قاچاقچی حرفه‌ای محسوب نشود و مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی نباشد - مستقیماً و بدون دخالت دادسرا در شعب بدوی ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی مطرح شود که این شعب با توجه به شیوه انتصاب رؤسای آنها و شرایط اداره و نداشتن استقلال نهادی، به سختی می‌توانند از نفوذ و کنترل سیاسی و اداری دور بمانند و رؤسای آنها به دلیل نداشتن استقلال و اقتدار لازم و امکانات و اختیارات کافی، نمی‌توانند به اندازه مقامات دادسرا در جمع‌آوری و ارزیابی ادله و شناسایی عوامل دخیل در ارتکاب جرم و تعیین نقش و سهم آنها، بی‌طرفانه و قاطع و مؤثر اقدام کنند.

۱.۳. ارجاع نشدن امور فنی و گمرکی به کارشناسان رسمی دادگستری

امروزه، به دلیل تخصصی شدن اغلب امور و فنی بودن ماهیت پرونده‌ها، کارشناسی یکی از ابزارهای مؤثر در حصول علم قاضی به‌شمار می‌رود. کارشناس متبحر در امر خاص، با روشن نمودن زوایای امر واقع شده، در موارد تخصصی خارج از محدوده دانش عرفی قاضی، وی را در دستیابی به علم یاری می‌نماید و در این صورت، کارشناسی هرچند در عداد امارات قانونی نباشد، می‌تواند در حصول علم قاضی مؤثر باشد و اماره قضایی به حساب آید^۲ (دیانی، ۱۳۸۶: ۷).

کارشناس نیز همانند قاضی باید بی‌طرف و بی‌غرض باشد. این امر به‌ویژه در مواردی که کارشناس موقعیت ممتازی در دادرسی دارد، واجد اهمیت است (ناجی زواره به نقل از صائی، ۱۳۸۲: ۲۶۷). اهمیت و ضرورت بی‌طرفی کارشناس به این دلیل است که نظریه کارشناسی می‌تواند مستند محکومیت متهم قرار گیرد و اگر کارشناس، خود شاکی یا به هر نحو مرتبط و ذی‌نفع با شاکی باشد، این وضعیت، مخالف دادرسی عادلانه و مصداق بارز تعارض منافع خواهد بود. در نظر نگرفتن جهت رد کارشناس در دعاوی مربوط به حقوق گمرکی که مبتنی بر رابطه مستقیم میان قوای اداره‌کننده و اداره‌شوندگان است، خالی از وجه و به دور از دادرسی عادلانه خواهد بود. تأثیر مواردی همچون رابطه استخدامی و وجود عنصر نفع، در بی‌اعتبار شدن نظریه کارشناسی در سیستم‌های

1. individual prosecutor

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد جایگاه کارشناسی در میان ادله اثبات دعوا رک: دیانی، ۱۳۹۴.

مختلف حقوقی جهان، به رسمیت شناخته شده است^۱؛ تا جایی که در برخی موارد، کارشناس، ضمن تقدیم نظریه، باید با صراحت عدم تعارض منافع و بی‌طرف بودن خود درباره نتیجه رسیدگی قضایی را اعلام کند^۲. در رویه قضایی، بی‌تردید نظریه‌ای که با وجود تعارض منافع، صادر شود، نمی‌تواند مبنای صدور حکم دادگاه قرار گیرد و حتی کارشناس مزبور نیز، نمی‌تواند به اطلاعاتی که به‌واسطه تفویض امر کارشناسی در اختیار وی قرار گرفته، به نفع خود یا سازمان متبوعش استناد کند (Great Britain: Law Commission, 2011: 250). با این توضیح که کارشناسان و به تبع آن، انجام کارشناسی باید به‌طور «طبیعی»، «عادی» و «بی‌طرفانه» و همچنین «عاری از هر گونه پیش‌داوری، پیش‌بینی یا تعارض منفعت» باشد (Ubelaker, 2015: 185). ماده ۳۳ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ نیز بر همین اساس، کارشناسانی را که مستخدم دولت هستند، از مداخله و اظهارنظر در دعاوی و اموری که مربوط به دستگاه متبوع آنهاست، منع کرده است.

با این حال، ادارات مأمور وصول عایدات دولت به‌ویژه گمرک، به استناد ماده ۲ قانون قدیم^۳ همواره اعتقاد داشتند؛ احراز بزه قاچاق و پس از طرح پرونده در مراجع رسیدگی‌کننده، بررسی اسناد مثبت گمرکی ابرازی متهمین و تطبیق آن‌ها با کالاهای مکشوفه به ظن قاچاق، صرفاً در صلاحیت آن‌ها می‌باشد و قابل ارجاع به کارشناسان رسمی دادگستری نیست. در حال حاضر نیز به استناد مواد ۴۷ و ۶۲^۴ قانون جدید، اعتقاد به نظریه ممنوعیت ارجاع موضوعات و مسائل گمرکی پرونده‌های قاچاق به کارشناسان رسمی دادگستری، قوت گرفته و باب

1. Finding more see also: Expert registration and appointment process, available at: http://ec.europa.eu/research/participants/fp7documents/funding-guide/9_experts/1_expert-registration-and-amendment_en.htm, last seen 5/5/2017.

2. This Declaration should be inserted between the end of The Report and the Expert's signature (This version applies from 3rd April 2017): I know of no conflict of interest of any kind, other than any which I have disclosed in my report. Available at: <https://www.academyofexperts.org/guidance/experts-declaration/experts-declaration-criminal-proceedings-england-wales>, last seen 5/5/2017.

۳. «به‌منظور تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های مربوط به کشفیات قاچاق اعم از کالا و ارز، اداره‌های مأمور وصول درآمدهای دولت یا سازمان‌هایی که به موجب قانون مبارزه با قاچاق، شاکی محسوب می‌شوند، در صورت احراز کالا و یا ارز قاچاق مکلفند، حداکثر ظرف ۵ روز نسبت به تکمیل پرونده اقدام و براساس جرایم و مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط و این قانون به‌ترتیب زیر عمل نمایند...»

۴. «شعبه رسیدگی‌کننده ضمن ارسال رونوشتی از مدارک پرونده به گمرک یا سایر سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت حسب مورد، در مورد تعیین ارزش کالا و یا ارز مکشوفه و بررسی اسناد ابرازی برای احراز جرم قاچاق استعلام می‌نماید. همچنین وقت رسیدگی به سازمان‌های مذکور و متهم ابلاغ می‌گردد. سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت موظف است ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعلام، پاسخ آن را ارسال و نماینده حقوقی خود را نیز برای حضور در جلسه رسیدگی معرفی نماید. در هر صورت، تشکیل جلسه رسیدگی منوط به حضور نماینده مذکور نیست.»

۵. «سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت مکلف است، فهرست ارزش کالاهای وارداتی را براساس نرخ برابری ارز اعلامی توسط بانک مرکزی به‌صورت سالانه در اختیار کلیه دستگاه‌های کاشف و ضابطین قضائی مرتبط برای تعیین ارزش اولیه قرار دهد. در صورتی که در طول سال در فهرست ارزش کالاهای وارداتی تغییرات عمده‌ای رخ دهد، توسط سازمان ذی‌ربط اعلام می‌شود.»

ارجاع امور فنی و گمرکی پرونده‌های قاچاق به روی کارشناس رسمی دادگستری در امور گمرکی بسته شده و بر این اساس، سخن از افتراقی شدن دادرسی در این زمینه، تأیید می‌شود. در تطبیق با اصول دادرسی منصفانه نیز اگر با استنباط از ماده ۴۷، ادارات مأمور وصول عایدات دولت، با موقعیت ممتازی که دارند، تنها کارشناس صالح برای اظهارنظر در مورد ارزش کالا و مطابقت کالا با اسناد مثبت گمرکی باشند و متهمان، حق درخواست ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری نداشته باشند - که رویه مراجع رسیدگی کننده نیز مؤید آن است - این امر ناقض «اصل تساوی سلاح‌ها» است و در واقع و به نحو اعتباری، متهم را از دسترسی به دادگاه مستقل و بی طرف بازمی‌دارد و او را در وضعیت نامناسب تری نسبت به طرف دعوا قرار می‌دهد (قریبانی، ۱۳۹۰: ۲۲۷). به علاوه، عقلانی کردن رسیدگی به یک پرونده، اقتضا دارد که با دقت انجام گیرد و اگر کارشناس منتخب، صلاحیت لازم را نداشته باشد، دقت در رسیدگی نیز مختل می‌شود (پین‌شن، ۱۳۹۱: ۱۳).

۱.۴. تعیین دامنۀ قرارهای تأمین به وثیقه

قانون قدیم به صراحت مقرره‌ای در مورد قرار تأمین، وضع نکرده و تبصره ۱ ماده ۴، رسیدگی به پرونده‌های موضوع آن قانون را تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر ندانسته و برای ایجاد وحدت رویه در رسیدگی، قوه قضاییه موظف به تهیه دستورالعمل شده بود.

ماده ۷ دستورالعمل نحوه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۳/۹ رئیس قوه قضاییه، مقرر کرده بود که قرار تأمین پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، منحصراً وثیقه متناسب با مجازات قانونی جرم یا بازداشت موقت در صورت بیم تبانی و اختفای ادله جرم است. از طرفی در ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی آن قانون، آمده بود: «صدور قرار بازداشت و سایر قرارهای تأمینی در مواردی که برای وصول جریمه ضرورت دارد با پیشنهاد سازمان شاکی بر عهده محکمه صالحه است».

براساس تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون جدید: «در مورد سایر جرائم مقرر به استثنای ماده (۲۱) این قانون، در صورتی که بیم اختفای ادله، فرار متهم یا تبانی باشد و همچنین در پرونده‌هایی با ارزش کالای قاچاق مکشوفه بالای یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال، صدور قرار وثیقه متناسب با مجازات مقرر الزامی است».

با این حال، شعب تعزیرات حکومتی حتی در پرونده‌های کمتر از یکصد میلیون ریال همچنان بر صدور قرار وثیقه اصرار دارند. الزامی بودن صدور قرار وثیقه طبق دستورالعمل یادشده و سپس تخصیص آن به پرونده‌هایی که ارزش کالای موضوع آنها بیش از یکصد میلیون ریال است، در قانون

۱. «در صورتی که ارزش کالای قاچاق و یا ارز مکشوفه موضوع ماده (۱۸) این قانون، برابر تشخیص اولیه دستگاه کشف معادل ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد با قید در صورتجلسه کشف به امضای متهم می‌رسد و در صورت استنکاف، مراتب در صورتجلسه کشف قید و حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورتجلسه به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی تحویل می‌شود و ارز مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واريز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ می‌گردد...»

جدید، نشان از رویکرد افتراقی قانونگذار در این زمینه دارد و هدف از آن تضمین بهتر وصول جریمه است.

۲. مقررات افتراقی در مرحله رسیدگی و صدور رأی

رسیدگی سازمان تعزیرات حکومتی به بخش عمده‌ای از موارد قاچاق کالا و ارز، تخصصی شدن دادرسی قاچاق، سرعت در رسیدگی و صدور رأی و برخی مقررات ویژه در خصوص اعتراض به آرای صادرشده از مراجع رسیدگی‌کننده، از مهم‌ترین جلوه‌های افتراقی شدن در این مرحله است.

۲.۱. تعیین سازمان تعزیرات حکومتی به‌عنوان یکی از مراجع رسیدگی‌کننده

پیش از ورود به این بحث، ذکر این مقدمه لازم است که اصل تفکیک قوا، قرن‌هاست که به رسمیت شناخته شده و استقلال نهاد قضا مبتنی بر این اصل، از جمله عناصر کلیدی برای حصول آزادی و دموکراسی در یک جامعه مدنی است، زیرا قاضی باید به‌طور مستقل و براساس ادراک خود از قانون و با در نظر گرفتن عدالت و انصاف، بدون وجود هیچ فشاری از خارج یا از طرف هر یک از اصحاب دعوا رأی دهد. صدور حکم باید تنها براساس واقعیات و قانون، صورت پذیرد. اهمیت این مقوله به‌حدی است که در انتصاب قاضی نیز نظر مردم را ارجح می‌شمارند تا استقلال وی حفظ شود. برای مثال، تقریباً ۹۰ درصد قضات تجدیدنظر ایالتی آمریکا باید به‌طور منظم از سوی رأی‌دهندگان انتخاب شوند و ۸۷ درصد از قضات دیوان عالی کشور، از طریق انتخابات حزبی، غیرحزبی برای انتصاب یا ابقا در مسند قضاوت، در معرض انتخاب عموم قرار می‌گیرند (پروژه NAT-CTR اطلاعات آماری دادگاه‌های ایالتی سال ۲۰۰۶)، در مقابل، ۸۹ درصد قضات ایالتی آمریکا (تحقیق و محاکمه) در اغلب موارد با رأی‌دهندگان مواجهند. این امر از طریق انتخابات اولیه یا در مرحله ابقا در مسند قضاوت، است (kang & shepherd, 2010).

تفکیک مؤثر میان قوه مجریه و قوه قضاییه از جمله امور اساسی و مهم برای دستیابی به استقلال قضایی و قضاوت عادلانه است. بدین لحاظ، باید این اطمینان خاطر حاصل شود که قوه مجریه نمی‌تواند برای دستیابی به نفع خود در برابر اداره‌شوندگان، در سیستم قضایی و قضات تأثیر بگذارد. به‌عبارت دیگر، علاوه بر پارلمان مستقل، یک سیستم قضایی از هر نظر مستقل نیز، برای حصول اصل تفکیک قوا الزامی است. این الزام، برگرفته از این رویکرد است که دولت نباید قادر باشد با تحت فشار قرار دادن مستقیم یا غیرمستقیم به هر نحو ممکن، منفعتی بیشتر از دیگر اطراف دعوا برای خود رقم زند. ضمن اینکه در بسیاری موارد، لازم است قاضی در جایگاه احقاق حق و برقراری عدالت، در مقابل دولت بایستد و شاید این جنبه از جمله مهم‌ترین تمایزات میان حکومت‌های دموکراتیک و دیکتاتوری باشد که در سیستم اول، قانون و در سیستم دوم اراده حکومت بر روابط اشخاص و دولت حاکم است. در عمل، سیستم قضایی مستقل، به دو پیش‌فرض جهت تحقق نیاز دارد؛ اول، مجموعه قوانین و مقررات روشن و صریح که یک سیستم قضایی

مستقل را ایجاد کند و رسمیت بخشد؛ و دوم، «استقلال» برای پیاده‌سازی و اجرای قوانین و مقررات مزبور بدون ترس از ورود ضرر یا بدون وجود منفعت برای قضات (Harding & Nicholson, 2010: 202).

اعطای صلاحیت رسیدگی به سازمان تعزیرات حکومتی، جلوه اصلی و شاخص افتراقی شدن دادرسی قاچاق است؛ لیکن قانونگذار با آزمون و خطای پی‌درپی، در نهایت با ترجیح مصالح حکومتی بر اصول قانون اساسی دارد، چنین سیاستی اتخاذ کرد. توضیح اینکه تخلفات و جرائم اقتصادی، همواره کارآمدی و اقتدار دولت‌ها را به چالش می‌کشیده و بر این اساس، دولت‌ها علاوه بر نقش آفرینی در فرایند تصویب و اجرای قوانین مربوط به تنظیم بازار و مقابله با تخلفات و جرائم اقتصادی، برای رسیدگی و صدور حکم در این حوزه نیز گرایش داشته‌اند؛ اما از سال ۱۳۲۲- که ماده واحد راجع به کیفر گران‌فروشان تصویب شد- تا سال ۱۳۶۷ هیچ‌گاه قوه مجریه، چنین اختیاری به دست نیاورد تا اینکه با تصویب قانون تعزیرات حکومتی (۱۳۶۷/۱۲/۲۳) در مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی به تخلفات اقتصادی در بخش دولتی، به قوه مجریه محول شد. رسیدگی به تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی بخش غیردولتی، در صلاحیت قضات دادرسی و دادگاه‌های انقلاب اسلامی قرار گرفت که به صورت خارج از نوبت بود و قانونگذار به سبب اهمیت این جرائم و ضرورت مبارزه جدی و انقلابی با آنها، علاوه بر قضات موصوف، طبق تبصره ۱ ماده ۳۶ صرفاً دایران و دادستان‌هایی را که رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور، صلاحیتشان را تأیید می‌کردند، برای صدور احکام تعزیری صالح می‌دانست.

دیری نیابید که مجمع تشخیص مصلحت نظام از اعطای اختیار رسیدگی به قوه مجریه، به کلی منصرف شد و در دی ماه ۱۳۶۹ تشکیلات بخش دولتی تعزیرات حکومتی را به موجب مصوبه‌ای منحل و رسیدگی به کلیه امور قضایی این بخش را نیز به دادرسی و دادگاه‌های انقلاب اسلامی ارجاع کرد. این روند تا سال ۱۳۷۳ ادامه داشت تا اینکه در پی افزایش سریع قیمت‌ها و نرخ ارز در نیمه اول سال ۱۳۷۳ و برای نظارت و کنترل جدی‌تر بر امور اقتصادی و هماهنگی بیشتر مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن و همچنین مهار تورم و رسیدگی به تخلفات اقتصادی و برخورد با گران‌فروشان و محتکران و اخلاک‌گران اقتصادی، رئیس‌جمهور وقت از مقام رهبری درخواست کردند که رسیدگی به تخلفات اقتصادی در هر دو بخش دولتی و غیردولتی به قوه مجریه محول شود و ایشان موضوع را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع کردند که این بار، مجمع با عدول از موضع سابق خود و با تصویب ماده واحد اصلاح قانون تعزیرات حکومتی در تاریخ ۱۳۷۳/۷/۱۹ امور بازرسی، نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن را در بخش‌های دولتی و غیردولتی تعزیرات حکومتی به دولت واگذار کرد تا براساس جرائم و مجازات‌های مقرر در قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷ اقدام کند.

در مورد قاچاق، قانونگذار بعد از انقلاب، ابتدا با تصویب ماده واحد قانون حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های انقلاب مصوب ۱۳۶۲ رسیدگی قضایی به کلیه جرائم مربوط به قاچاق را جزء صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های انقلاب قرار داد و سپس با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی

و انقلاب در سال ۱۳۷۳ و به موجب ماده ۵ آن قانون، رسیدگی به کلیه جرائم مربوط به قاچاق را همچنان در صلاحیت دادگاه انقلاب باقی گذاشت. لیکن هفت ماه بعد از تصویب ماده واحده اصلاح قانون تعزیرات حکومتی و بر همان مبانی، در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی در خصوص قاچاق کالا و ارز به صورت فوق العاده و بدون طرح در مجلس شورای اسلامی - به استناد بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی رسید و برای اولین بار، سازمان تعزیرات حکومتی برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز نیز با وجود شرایطی، صالح شناخته شد.^۱ بر این اساس، به موجب تبصره ۲ ماده ۴ این قانون، علاوه بر ابقای صلاحیت ذاتی دادگاه‌های انقلاب در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق، این امکان فراهم شد که در شهرستان‌ها و بخش‌هایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده بود، دادگاه‌های عمومی به پرونده‌های قاچاق رسیدگی کنند و چنانچه مراجع قضایی حداکثر ظرف یک ماه از دریافت شکایت، نسبت به صدور حکم و تعیین تکلیف قطعی پرونده اقدام نمی‌کردند، سازمان تعزیرات حکومتی با درخواست سازمان شاکی برای رسیدگی به پرونده‌های مذکور، صلاحیت می‌یافت.

بدین ترتیب، رویکرد «امنیتی» قانونگذار به «اقتصادی» گرایش یافت و تسریع در رسیدگی و وصول سریع‌تر جریمه‌های قاچاق حتی اگر با عدول از اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری همراه بود، به مصلحت کشور ارزیابی شد. از این منظر، چون قاچاق کالا، نقض مقررات و استانداردهای مقرر برای صادرات و واردات کالا و هدف از ارتکاب آن، محروم کردن دولت از تمام یا بخشی از حقوقی است که از محل واردات و صادرات قانونی کالاها، به دست می‌آورد و تأثیرات منفی بر سلامت اقتصاد و بازار و حقوق بنیادین مصرف‌کنندگان نیز از تبعات آن است، بنابراین چه کسی بهتر از دولت به‌عنوان سیاستگذار و نیز مجری سیاست‌های اقتصادی آن هم از طریق سازمان تعزیرات حکومتی که اهداف و وظایفش در همین زمینه و «تا حدی فنی و تخصصی» کند. چنین رویکردی با تصویب قانون جدید در سال ۱۳۹۲، بیشتر ظهور یافت و قانونگذار با تخلف‌انگاری عمده موارد قاچاق کالا، دست قوه مجریه را در رسیدگی به آنها باز گذاشت. به این نحو که رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته، حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی را در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب دانست و سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، را «تخلف» محسوب کرد و رسیدگی به آن را در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار داد (ماده ۴۴) و گونه‌ای از دادرسی افتراقی متناسب با ماهیت تخلفات اقتصادی را که هدف آن، کاستن از تشریفات و پیچیدگی‌های خاص مربوط به آیین دادرسی کیفری، دوری جستن از تبعات منفی مربوط به کیفری ساختن امور مربوط به بازار و بالا بردن کارایی و سرعت در رسیدگی است، در کنار نظام پاسخ‌دهی غیرحبس‌محور، طراحی کرد (جمشیدی، ۱۳۹۶: ۱۰).

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: فتحی، ۱۳۷۹: ۱۹۹-۱۶۵.

این نظام دادرسی افتراقی مصلحت‌اندیشانه و سودانگارانه، البته یکی از تضمینات اصول دادرسی عادلانه را که «استقلال» و «بی‌طرفی» مرجع رسیدگی است، زیر پا گذاشته است. «استقلال» به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است که از سازمان تعزیرات حکومتی که تابع قوه مجریه است، انتظار نمی‌رود و «بی‌طرفی» به معنای عدم پیش‌داوری یا جانبداری نکردن از یک طرف دعوا و ذی‌نفع نبودن در نتیجه رسیدگی است که این هم برآورده نمی‌شود، زیرا دادرسی عادلانه، تنها در سایه تفکیک قوا و استقلال قضایی تحقق می‌یابد. ضمن اینکه، از دیدگاه سیاست جنایی قضایی، برخی اعتقاد دارند تعدد مراجع رسیدگی آن هم در دو قوه مستقل، مانع از ایجاد رویه واحد و مناسب در مواجهه با این جرائم می‌گردد (ساک، ۱۳۹۰: ۱۰؛ پورابراهیم، ۱۳۹۱: ۲۱۱). البته اگر سازمان تعزیرات حکومتی در زیرمجموعه قوه قضاییه قرار گیرد، بسیاری از ایرادات نشأت‌گرفته از اصل تفکیک قوا، خودبه‌خود از میان خواهند رفت. با این وصف، در راستای تمایل قدیمی قوه مجریه برای شرکت دادن قضات دادگستری در ترکیب کمیسیون‌ها، هیأت‌ها و مراجع حل اختلاف برای مشروعیت بخشیدن به مداخله خود در امر قضاوت (سوادکوهی‌فر، ۱۳۸۰: ۲۴)، در ماده ۴۹ قانون جدید مقرر شده است که رئیس شعب تجدیدنظر ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، به پیشنهاد رئیس سازمان پس از تأیید وزیر دادگستری از بین قضات دارای پایه نه قضایی پس از موافقت رئیس قوه قضاییه با ابلاغ ایشان منصوب گردد. البته، ترکیب نیروی انسانی مرجع رسیدگی‌کننده از یک قاضی حرفه‌ای و قضات غیرحرفه‌ای، در صورتی که استقلال و بی‌طرفی قضات غیرحرفه‌ای تضمین نشده باشد، نیز حسب رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، ناقض اصل استقلال و بی‌طرفی دادگاه است (قربانی، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۱۸).

۲.۲. گرایش به تخصصی کردن فرایند رسیدگی

با اینکه امروزه شاهد بروز تخصص‌های گوناگون در مشاغل حقوقی چون کارشناسی و وکالت هستیم، لیکن تخصصی شدن قضاوت به‌کندی پیش می‌رود. این تخصص‌گرایی، گاه با انتصاب قضات مبرز در شعباتی از دادگاه‌های عمومی، با کادری مجرب جهت رسیدگی به پرونده‌های خاص اتفاق می‌افتد یا اینکه در ساختار اداری و مدیریتی، دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به پرونده‌های ویژه، تشکیل می‌شود.

قاضی متخصص در یک زمینه، می‌تواند هنگام صدور رأی از آنچه در اصل موضوع بی‌تأثیر است، چشم‌پوشی کند یا آنچه را که به‌ظاهر کم‌اهمیت اما در واقع مؤثر در اصل قضیه است، در نظر آورد. بنابراین، اغلب نظام‌های حقوقی، ترجیح می‌دهند برای کاهش اشتباهات قضایی و باثبات کردن حکم‌ها و مصون ماندن آرای صادرشده از اعتراض، قضاتی متخصص در هر زمینه را به‌کار گیرند یا برای این هدف، قضات را آموزش دهند. بدین ترتیب، نه‌تنها از تعداد آرای مورد اعتراض در دادگستری کاسته می‌شود، بلکه طرفین دعوا با طیب خاطر، سر بر اجرای رأی نهاده و نزد عموم نیز، وجهه حق‌گستری سیستم قضایی حفظ می‌شود (ABA journal, 1964: 610).

با تخصصی شدن دادرسی، قضات به‌تدریج با پیچیدگی‌ها و جنبه‌های فنی و حقوقی موضوعات

پرونده‌ها، آشنا می‌شوند و به مدد تخصص و تجربه و توسل به رویه‌های قضایی و شناخت وضعیت و شخصیت گروه خاصی از متهمان، آرای منطبق با واقع، در زمانی معقول و مورد انتظار صادر می‌کنند و به آثار مترتب بر آرای خود، به‌ویژه در امور تجاری و اقتصادی که اشخاص زیادی از جمله خود دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به یمن ارتباط مداوم با متهمان و افراد متأثر از جرائم اقتصادی، آگاهی پیدا می‌کنند.^۱ در رسیدگی به پرونده‌های جرائم اقتصادی از جمله قاچاق کالا و ارز، اگر قاضی بخواهد مانند جرائم دیگر رسیدگی کند، زیان‌های اجتماعی، اداری، اقتصادی آن برای کشور بیش از آن مفسده‌ای خواهد بود که واقع شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۱۷۳).^۲

ماده ۳۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ (۱۳۸۲/۸/۹)^۳، بر انتخاب قضات مستقل و متخصص و ایجاد مرجع یا مراجع تخصصی برای رسیدگی به مصادیق فساد مصرح در آن کنوانسیون تأکید کرده است.

در گستره حقوق داخلی ابتدا ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ به رئیس قوه قضاییه اختیار داد که در هر حوزه قضایی که لازم باشد، با لحاظ نوع دعوی و تجربه و تبحر قضات هر یک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعوی حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد، سپس در تبصره ماده ۳۰ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نیز شاهد تخصص‌گرایی بودیم.

در خصوص جرم قاچاق کالا و ارز، در کنار پیش‌بینی مراجع اختصاصی، بندهای «الف» و «ب» ماده ۱۱ قانون جدید، به تخصص‌گرایی اشاره می‌کند و قوه قضاییه و رئیس سازمان تعزیرات حکومتی، به اختصاص شعب ویژه برای رسیدگی به جرائم و تخلفات قاچاق کالا و ارز مکلف شده‌اند؛ یعنی باز از میان شعب دادگاه اختصاصی (دادگاه انقلاب)، شعبی ویژه برای رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز اختصاص می‌یابد که قضات آنها و نیز رؤسای شعبی از تعزیرات حکومتی که برای رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز اختصاص داده می‌شوند، آموزش‌های لازم را دیده‌اند.

۳.۲. الزام به تسریع در رسیدگی

در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مراجع قضایی مکلف شده‌اند به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین زمان ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. در جزء ج بند ۳

۱. ر.ک: حبیبی، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۲۹؛ افشارنیا و مبین، اطاله دادرسی و توسعه قضایی، ۱۳۸۹: ۱۴۶.

۲. رئیس وقت قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۴ همزمان با آغاز به کار مجتمع ویژه مبارزه با مفسدات اقتصادی در تهران بیان داشتند «با آغاز به کار این مجتمع همه پرونده‌های کلان اقتصادی را به دست قضات قاطع و متعهد و آگاه به مسائل اقتصادی و شیوه‌های صحیح رسیدگی به این قبیل مفسدات خواهیم سپرد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۱۸۳).

۳. ماده ۳۶ کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد-که جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ به کنوانسیون مذکور ملحق شده - مقرر می‌دارد، «هر کشور عضو، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود، وجود نهاد یا نهادها یا افراد متخصص در مبارزه با فساد از طریق اجرای قانون را تضمین خواهد نمود. طبق اصول اساسی نظام کشور، به عضو چنین نهاد یا نهادها یا افرادی، استقلال لازم اعطاء خواهد شد تا بتوانند به‌نحو مؤثر و بدون نفوذ نامعقول و وظایف خود را انجام دهند. چنین افراد یا کارکنان چنین نهاد یا نهادهایی باید از آموزش و منابع مناسب برخوردار باشند تا بتوانند وظایف خود را انجام دهند».

ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی از "محاکمه بدون تأخیر ناروا" سخن به میان آمده و در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به «لزوم رسیدگی در مهلت یا مدت معقول» اشاره شده است. تشخیص نامعقول بودن مهلت رسیدگی یا ناروا بودن تأخیر، به اوضاع و احوال هر پرونده بستگی دارد.

سرعت در دادرسی، ملاک تام و معتبری برای توسعه قضایی یا صحت عمل دادگستری نیست و آنچه مهم است، دادرسی در مدت زمان معقول است که به دادرسی عادلانه و منصفانه بینجامد و این زمان، معمولاً برای پرونده‌های مهم، طولانی‌تر از پرونده‌های کم‌اهمیت‌تر است (محمودی جانی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

قانونگذار در فرایند رسیدگی به قاچاق کالا و ارز، برخورد قاطع، شدید و سریع با مرتکبان قاچاق را بر رعایت حقوق دفاعی آنها ترجیح داده است. نظام عدالت کیفری، در پی محکومیت هر چه سریع‌تر متهمان قاچاق کالا و ارز است، ضمن اینکه عواملی چون شخصیت بزه‌دیده، ارزش ریالی پرونده، برخی مناسبات و تعلقات جناحی و سیاسی، بازنمایی رسانه‌ای از جرم و اعمال فشار گروه‌های خاص، موجب می‌شود تا نظام قضایی با سرعت هر چه تمام‌تر، پرونده‌های خاص را بررسی کند (قیانچی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

در ماده ۲ قانون قدیم، «تسریع در رسیدگی» و «تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های مربوط به کشفیات قاچاق کالا و ارز» از اهداف تصویب آن قانون ذکر شده بود. چنانکه سازمان‌های شاکی را مکلف کرده بود ظرف پنج روز به تکمیل پرونده اقدام کنند و مراجع قضایی نیز موظف شده بودند پس از دریافت شکایت حداکثر ظرف یک ماه مراحل تحقیقات مقدماتی و تعقیب و رسیدگی و صدور رأی نهایی را به انجام رسانند و در این زمینه مقرر شده بود که رسیدگی به پرونده‌های موضوع آن قانون، تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر نیست.

در قانون جدید نیز «تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز» در کنار «پیشگیری از ارتکاب قاچاق» از اهداف اساسی قانونگذار است. در ماده ۱۱ این قانون، با مکلف کردن قوه قضاییه به اختصاص شعب ویژه و الزام سازمان تعزیرات حکومتی به اختصاص شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز و ارائه گزارش‌های سه‌ماهه و ارائه راهکارهای کاهش زمان دادرسی و تشکیل کارگروه نظارتی به منظور تسریع در اجرای احکام پرونده‌ها و در ماده ۴۵ با موظف ساختن هر یک از مراجع رسیدگی‌کننده در مرحله بدوی و تجدیدنظر، به رسیدگی و صدور رأی نهایی، ظرف یک ماه از زمان تحویل پرونده به آن مرجع و در ماده ۴۷ با مکلف کردن سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت از جمله گمرک، به پاسخگویی استعلامات مراجع رسیدگی‌کننده، ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعلام، نشان می‌دهد که مقنن همچنان به سرعت در رسیدگی اصرار دارد. در واقع، مقنن برای جلوگیری از اطاله دادرسی که خود برخلاف حق «محاکمه شدن در مدت متعارف» است، نوعی دادرسی شتابان و عجولانه را تجویز می‌کند، اگرچه به‌ندرت ممکن است پرونده قاچاقی در یک ماه، به رأی منجر شود، زیرا احضار متهم با رعایت فاصله زمانی حداقل پنج روز بین تاریخ ابلاغ آن و زمان حضور در مرجع رسیدگی‌کننده

(ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری) و اعطای مهلت بیست‌روزه برای پاسخگویی به استعلامات (جمع مواد ۴۷ و ۷۴ قانون جدید) خود مستلزم گذشت حداقل سی روز است و بیشتر پرونده‌ها، داخل در استثنای ذیل ماده ۴۵ می‌شوند. با این حال، به نظر می‌رسد اگرچه تعیین مهلت، برای پیشگیری از اطاله ناموجه به‌ویژه در رسیدگی به جرائم اقتصادی از جمله قاچاق، لازم است^۱، لیکن مهلت یک‌ماهه نیز برای صدور رأی در پرونده‌های قاچاق، غیرمعقول و نامتعارف و نامتناسب است و باید در آن تجدیدنظر شود.^۲ از طرفی برای پاسخگویی به استعلامات به‌ویژه در مورد بررسی اسناد مثبت گمرکی نیز به زمانی بیشتر از ده روز نیاز است.^۳

جالب اینکه، در ماده ۵۲، متهمان نیز مکلف شده‌اند ظرف ده روز از زمان طرح پرونده در مرجع رسیدگی‌کننده، اصل اسناد مثبت گمرکی خود را برای رفع ظن قاچاق ارائه کنند^۴ که این مهلت با تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده، حداکثر یک بار دیگر به مدت ده روز قابل تمدید است. این مقرره، برخلاف اصل بقای اعتبار و استنادپذیری اسناد رسمی است، زیرا اسناد و دلایل معتبر در طول زمان، اعتبار خود را از دست نمی‌دهند، مگر با حکم قانون یا انتفای موضوعیت مستند آنها (آقازاده، ۱۳۹۵: ۸۶). به‌ویژه اینکه، اثبات حق مردم، متوقف به پذیرش آنهاست و نپذیرفتن آنها، ناقض حق برخورداری متهم از فرصت و تسهیلات لازم برای دفاع است که در بند ۳ (ب) ماده ۹۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به آن تصریح شده است. بسیاری از متهمان قاچاق در زمان کشف و تا مدت‌ها بعد از آن به اصول اسناد مثبت گمرکی - که کالاهای آنها با انجام تشریفات گمرکی وارد کشور شده‌اند - دسترسی ندارند، زیرا معمولاً واردکننده، غیر از عرضه‌کننده است و از محل یک سند گمرکی، ممکن است کالا به افراد متعددی تحویل شده باشد و تحویل اصل سند به تمامی خریداران، ممکن نیست. ضمن اینکه، تهیه رونوشت برابر با اصل از اسناد وصول گمرکی نیز طبق ماده ۱۵۳ قانون امور گمرکی ۱۳۹۰ ممنوع است.

۲.۴. اعتراض به آرا

در صدور آرای قضایی همواره احتمال خطا اعم از قصور یا تقصیر وجود دارد. لزوم برپایی عدالت نیز همیشه از منظر حقوقدانان و نظریه‌پردازان بر اجرای آرای قضایی، برتری داشته است. چنانکه ویلیام

۱. در دستورالعمل آزمایشی استانداردسازی زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی که به شماره ۱/۸۷/۸۴۳۳/مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱ رئیس قوه قضاییه در روزنامه رسمی درج شده، حداکثر زمان برای رسیدگی به «خلال در نظام اقتصادی» سه ماه و نیم و برای «تخلقات ارزی» سه ماه در نظر گرفته شده بود و «قاچاق کالا و ارز» از همین نوع جرائم است.

۲. رک: آقای جنت مکان، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۲۱.

۳. در ماده ۲۲ دستورالعمل گمرک ایران در خصوص نحوه تشکیل و پیگیری پرونده‌های قاچاق، به‌صراحت گمرکات اجرایی موظف شده‌اند در مواردی که پاسخ به استعلامات به زمان بیشتری نیاز دارد، مراتب را قبل از اتمام موعد به مرجع رسیدگی‌کننده، اعلام کنند.

۴. با اجرای سامانه پنجره واحد تجارت فرامرزی (سامانه جامع گمرکی EPL) صدور پروانه گمرکی (برگ سبز کاغذی) از بیستم تیر ۱۳۹۴ متوقف شده است و مراجع ذیصلاح به صورت الکترونیکی و برخط و از طریق کد پیگیری مذکور در دستور ترخیص که از سوی ذی‌نفع ارائه می‌گردد، می‌توانند به اطلاعات پروانه گمرکی الکترونیکی دسترسی پیدا کنند.

بلاک استون گفته است: «اگر ده مجرم از زندان فرار کنند بهتر از آن است که فرد بی‌گناهی زندانی شود» (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

اصل اعتراض‌پذیری آرای قضایی نیز، مبتنی بر همین نکته است. در بسیاری از نواحی که درگیر تخلفات متعدد اقتصادی هستند، چنانچه امری غیرواقع یا مکتوم ماندن حقیقت، در تصمیم دادگاه مؤثر بوده باشد، مانند مواردی چون دسترسی نداشتن به مدارک مثبت گمرکی یا بی‌توجهی مقام رسیدگی‌کننده به آن مدارک و عدم تطبیق صحیح قانون بر موضوع یا نادیده گرفتن قانون، هر یک می‌تواند مستند اعتراض به رأی و مبنایی برای احقاق حق باشد.^۱ این اعتراض گاه می‌تواند در امتداد مرحله قبلی رسیدگی^۲ و گاه همزمان با از سر گرفتن یک مرحله جدید^۳ باشد. بدین ترتیب که گاه محکوم حتی پس از عدم پذیرش تجدیدنظرخواهی، چنانچه خود را به جهتی از جهات محق بدانند، می‌تواند درخواست کند کل مراحل رسیدگی بر پایه دلایل جدید، بار دیگر اقامه شود.^۴

در حقوق ایران طرح مطلب از اینجاست که براساس تبصره ۱ ماده ۲ قانون قبلی، رسیدگی به پرونده‌های موضوع آن قانون، تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر دانسته نشده و به‌منظور ایجاد وحدت رویه، مقرر شده بود دستورالعملی از سوی رئیس قوه قضاییه ابلاغ شود. در ماده ۱۱ دستورالعمل مصوب ۱۳۷۴/۳/۹ رئیس قوه قضاییه تصریح شده بود که آرای صادرشده در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، قطعی و لازم‌الاجراست و بلافاصله به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

سپس رئیس قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۹ این ماده را اصلاح کرد و احکام صادره را از لحاظ قطعیت یا عدم قطعیت و قابلیت تجدیدنظرخواهی و مرجع آن مانند دیگر احکام جزایی دانست، لیکن دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۱۴ مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۰ این اصلاحیه قوه قضاییه را ابطال و آن را مغایر حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات قوه قضاییه اعلام کرد.

متعاقب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تا مدت‌ها درباره قطعی یا قابل تجدیدنظر بودن احکام صادره در مورد قاچاق کالا و ارز، میان قضات دادگستری اختلاف نظر وجود داشت تا اینکه در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۸ رأی وحدت رویه شماره ۷۲۸ صادر و اعلام شد که آرای صادره در مورد قاچاق کالا و ارز غیرقطعی و قابل تجدیدنظر است.

در حال حاضر براساس ماده ۵۰ قانون جدید، آرای شعب بدوی تعزیرات حکومتی که ارزش آنها کمتر از بیست میلیون ریال باشد، قطعی است و در سایر موارد، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، از سوی محکوم‌علیه قابل تجدیدنظرخواهی است. چنانچه رأی صادره از شعب بدوی تعزیرات یا دادگاه انقلاب مبنی بر براءت باشد، نیز پس از درخواست دادستان یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت یا ستاد یا عنداللزوم دستگاه کاشف، قابل تجدیدنظرخواهی است. لیکن، اگر رأی بر محکومیت متهم و از دادگاه انقلاب صادر شده باشد، با اجازه ماده ۵۱، باید به ماده ۴۲۷ آیین دادرسی

1. Refer to Rule 8.268. Rehearing, 2017 California Rules of Court

2. Existing Appeal

3. Rehearing

4. TAX AND DUTY APPEALS MANUAL Appeals made after 21 March 2016 federal act USA

کیفری ۱۳۹۰ مراجعه کرد که بر این اساس، تنها در صورتی که مجازات درجه هشت باشد، قطعی والا قابل تجدیدنظر است.

اعطای حق اعتراض به رأی برائت به مقامات و ادارات مذکور، در حالی که در صورت محکومیت، صرفاً محکوم علیه امکان اعتراض دارد، به نظر، متهم را در وضعیت نامناسب‌تر و ضعیف‌تری نسبت به طرف دعوا قرار می‌دهد و اصل برائت را بیش از حد لازم، شکننده می‌کند. تجدیدنظرخواهی نسبت به رأی برائت، امر استثنایی است و دامنه توسل به آن باید محدود باشد و اعطای این حق برای دادستان و دستگاه کاشف برای حمایت از حقوق جامعه، کافی است.

اعطای حق تجدیدنظرخواهی به رئیس سازمان تعزیرات حکومتی به موجب تبصره ۴ ماده ۵۰ الحاقی ۱۳۷۴/۷/۲۱ نیز از مقررات افتراقی دیگر این قانون است. مقام مذکور می‌تواند به دلیل عدم انطباق آرای بدوی قطعی یا آرای که به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی شده‌اند، با قانون یا عدم تناسب جرمه نقدی با قانون موجود، تقاضای تجدیدنظر کند. این مقرر که تجدیدنظر غیرقضایی در رأی مرجع غیرقضایی را تجویز می‌کند، آثار منفی ناشی از دخالت قوه مجریه در رسیدگی به موضوعاتی را که ماهیت قضایی دارند، دوچندان ساخته و اعتبار آرای برائت قطعیت یافته را متزلزل می‌کند. به علاوه، بعد از اجرای قانون جدید، آنچه بیشتر چالش برانگیز شده، این است که در زمینه آرای شعب تجدیدنظر سازمان تعزیرات حکومتی درخواست اعاده دادرسی پذیرفته نمی‌شود. با این استدلال که طرق اعتراض پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۴۷۴ و ۴۷۷) مختص دادگاه‌ها به معنای خاص است و در موارد محکومیت قطعی به مجازات مقرر برای «جرم» او نه «تخلف» قابل اعمال است. البته در راستای رفع این مشکل، در مواردی تلاش شده تا از ظرفیت تبصره ۳ ماده ۲۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۸/۱ نمایندگان ویژه ریاست جمهوری در ستاد پشتیبانی تنظیم بازار^۱، در خصوص پرونده‌های قاچاق نیز استفاده شود، لیکن به دلیل نداشتن توجیه قانونی، به نتیجه نرسیده است.

سخن آخر اینکه، اعاده دادرسی اگرچه استثنایی بر قاعده «اعتبار امر مختوم» است، لیکن این استثنا در نظام‌های ملی معمولاً به نفع شخص محکوم و نه علیه او، پذیرفته می‌شود و این مقتضای اصل «منع محاکمه مجدد» است (فضائلی، ۱۳۹۲: ۴۶۹).

نتیجه

قاچاق کالا، ریشه در سیاست‌های اقتصادی خود دولت دارد و اگر برای پایان دادن به آن

۱. تبصره ماده ۲۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی (الحاقی ۱۳۷۴/۶/۱۱) - هر گاه محکوم علیه و یا رؤسای سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند، می‌توانند با ذکر دلیل از وزیر دادگستری تقاضای رسیدگی مجدد کنند. چنانچه وزیر دادگستری تقاضا را وارد تشخیص دهد یا رأساً رأی را غیر قانونی بداند، پرونده را جهت رسیدگی به شعبه عالی تجدیدنظر که به همین منظور در مرکز تشکیل می‌گردد ارجاع خواهد داد. رأی این شعبه قطعی است و اقدامات موضوع این تبصره مانع اجرای حکم تجدیدنظر خواسته نخواهد بود.

سیاستگذاری شود، نیازی به تعیین مجازات‌های سنگین و پیش‌بینی دادرسی ویژه و افتراقی برای آن نیست. صرف‌نظر از این، اگر اتخاذ رویکرد افتراقی از سوی قانونگذار را صحیح و مؤثر فرض کنیم، نادیده‌انگاری برخی از اصول دادرسی منصفانه که به‌نحو بنیادینی با حقوق متهم ملازمه دارد، موجب بروز برخی چالش‌های حقوقی و اجرایی شده است. افتراقی شدن، باید در وضع مقرراتی که به کارامدی ضابطان و دستگاه‌های کاشف و مراجع رسیدگی‌کننده در انجام وظایف محوله کمک می‌کند، نمودار شود و جز برای حمایت بیشتر، وارد حوزه حقوق دفاعی متهمان نشود و نباید مبارزه با قاچاق و اعمال سریع مجازات را هدفی مهم‌تر از اجرای عدالت، تلقی کنیم تا اشتباهات قضایی و تحمیل ناروای مجازات قاچاق نسبت به افراد بی‌گناه و سرمایه آنها را توجیه کنیم. مطالعه قانون جدید و رصد نحوه اجرای آن نشان می‌دهد که حق برخورداری از محاکمه در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، با اعطای صلاحیت رسیدگی به سازمان تعزیرات حکومتی، نادیده گرفته شده است. تعیین مهلت‌های نامتناسب برای رسیدگی و صدور رأی و نیز برای ارائه اسناد مثبت گمرکی و پاسخگویی به استعلامات در خصوص ارزش و مدارک گمرکی، عرصه را برای برخورداری از دادرسی منصفانه تنگ‌تر کرده است. بی‌توجهی به اعتراض متهمان در خصوص نظرهای ادارات مأمور وصول عایدات دولت یا ارجاع نکردن موضوعات فنی و گمرکی به کارشناسان رسمی دادگستری در مواردی که برای کشف واقع و روشن شدن موضوع لازم است یا متهم درخواست می‌کند، ناقض حق رسیدگی توسط دادگاه مستقل و بی‌طرف و حق دسترسی متهم به کارشناسان مستقل برای تدارک دفاع است. افزون بر آن، پس از رسیدگی شعب تجدیدنظر تعزیرات حکومتی، حتی با احراز اشتباه مسلم در صدور رأی محکومیت، امکان اعاده دادرسی پیش‌بینی نشده است. قانون جدید به بهانه برخورد قاطع و سریع با قاچاق، از راه روشنی که قانون آیین دادرسی کیفری برای رعایت همزمان حقوق متهم و جامعه در پیش گرفته، جدا و زمینه را برای مجازات بی‌گناهان فراهم کرده است و به‌نظر می‌رسد فراوانی آرای محکومیتی که بدون توجه به دفاعیات متهمان و در مخالفت صریح با قانون صادر شده، گواه روشنی بر بی‌نتیجه ماندن تلاش قانونگذار در مبارزه با قاچاق از طریق افتراقی کردن دادرسی آن است. در کوتاه‌مدت، تصریح بر امکان ارجاع اعتراض متهمان و موارد تخصصی به کارشناسان رسمی دادگستری و نیز پیش‌بینی مقرراتی برای اعاده دادرسی و در مرحله بعد، سپردن قانون به حقوقدانان برای هماهنگ کردن آن با قانون آیین دادرسی کیفری و اصول دادرسی منصفانه لازم پیشنهاد می‌شود.

منابع

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، ج اول، چ نوزدهم، تهران: سمت.
۲. ----- (۱۳۷۶). عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، چ اول، تهران: گنج دانش.
۳. آقازاده، علیرضا (۱۳۹۵). دادرسی کیفری قاچاق کالا در حقوق ایران، ترکیه و عراق، چ اول، تهران: مجد.
۴. استغفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنار (۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری، موضوع و نهادهای دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، ج ۱، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

۵. اعظمی چهار برج، حسین و همکاران (۱۳۹۲). نحوه عملی رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی (بدوی-صنغی)، ج ۱، چ اول، تهران: خرسندی.
۶. احمدی، عبدالله (۱۳۹۰). حقوق گمرکی، چ اول، تهران: میزان.
۷. افشارنیا، طیب؛ مبین، حجت (۱۳۸۹). اطاله دادرسی و توسعه قضایی، چ اول، تهران: خرسندی.
۸. باقرزاده، احد (۱۳۹۵). جرائم اقتصادی و پولشویی، چ دوم، تهران: مجد.
۹. پین شن، فرانسیس (۱۳۹۱). مطالعات تطبیقی حقوق کارشناسی اروپا (آلمان، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا)، ترجمه مرکز پژوهش‌های کارشناسی شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری، چ دوم، تهران: مرکز پژوهش‌های کارشناسی.
۱۰. توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲). پیشگیری از جرائم اقتصادی، چ اول، تهران: جنگل، جاودانه.
۱۱. تولگی، کیان‌دخت (۱۳۹۱). پاسخ‌های سیاست جنایی به جرائم قاچاق گمرکی، چ دوم، تهران: خرسندی.
۱۲. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۰). جهاد اقتصادی در عرصه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، انتشارات معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد.
۱۳. ----- (۱۳۸۸). افق ده‌ساله مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سری انتشارات اقتصاد پنهان؛ ۱۸.
۱۴. حبیبی، بهنام (۱۳۹۲). حقوق و اقتصاد (حقوق دادرسی مدنی)، چ اول، تهران: جاودانه، جنگل.
۱۵. ----- (۱۳۸۹). تحلیل اقتصادی حقوق خصوصی (ماهوی-شکلی)، چ اول، تهران: مجد.
۱۶. حسینی، سیده لطیفه. گزارش پژوهشی آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، بررسی مفهوم "ادارسی عادلانه"، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۰۹۰، پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۷. دیانی، عبدالرسول (۱۳۹۴). ادله اثبات دعوی در امور مدنی و کیفری، چ دوم، تهران: میزان.
۱۸. رفیعی، علی (۱۳۹۱). وظایف قانونی کارشناسان رسمی دادگستری و اهمیت نظریه کارشناسی در امور قضایی، چ سوم، انتشارات فکرسازان.
۱۹. زراعت، عباس (۱۳۹۱). حقوق کیفری اقتصادی، چ اول، تهران: جنگل، جاودانه.
۲۰. زینالی، امیرحمزه؛ احمدی، علی (۱۳۸۳). «سازمان تعزیرات حکومتی؛ از قضازدایی تا کیفرزدایی و رعایت حقوق متهمان و بزهدیدگان»، نشریات فارسی- حقوق دادگستری، سال ۶۳، ش ۴۸ و ۴۹.
۲۱. سازمان عفو بین‌الملل (۱۳۹۰). دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه و لیلا اشراقی، چ دوم، تهران: میزان.
۲۲. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۰). حقوق کیفری اقتصادی، چ دوم، تهران: جنگل، جاودانه.
۲۳. سبزواری‌نژاد، حجت (۱۳۹۲). تأثیر مجنی‌علیه در تعیین مجازات (حقوق جزای تطبیقی)، چ اول، تهران: جنگل، جاودانه.
۲۴. سوادکوهی، فرسام (۱۳۸۰). «بررسی تطبیقی مشروعیت قاضی در سیستم حقوقی جمهوری اسلامی ایران و سایر سیستم‌ها»، مجله دادرسی، ش ۳۰، ص ۲۸-۲۳.
۲۵. صائمی، علی‌اصغر (۱۳۸۲). «علم قاضی از دیدگاه فقیهان امامی»، ادله اثبات دعوی کیفری (مجموعه مقالات)، چ اول، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۶. صدرزاده افشار، محسن (۱۳۸۵). ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، چ چهارم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۷. صفاری طاهری، غلامرضا (۱۳۹۰). کنوانسیون‌های بین‌المللی گمرکی مهم‌ترین ابزارهای قانونی سازمان جهانی گمرک، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم اقتصادی.
۲۸. عباسی، محمود و جمشیدی، علیرضا و نیازپور، امیرحسین و بارانی، محمد؛ پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶). گفتارهایی در حقوق شهروندی: حقوق شهروندی و سازمان تعزیرات حکومتی، چ اول، تهران: میزان.
۲۹. غیب‌غلامی، سعیده (۱۳۹۵). حقوق گمرکی، چ اول، تهران: مجد.
۳۰. فتحی، محمدجواد (۱۳۷۹). «تحولات تشکیلات و سازمان‌های مبارزه با تخلفات اقتصادی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم، ش ششم، ص ۱۹۹-۱۶۵.
۳۱. فضالی، مصطفی (۱۳۹۲). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، چ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۳۲. قیانچی، حسام؛ دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۱). «الگوهای دوگانه فرآیند کیفری «کنترل جرم» و «ادارسی منصفانه»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۴، ص ۱۷۵-۱۶۷.
۳۳. قاسمی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). اصول حاکم بر دادرسی تعزیرات حکومتی، چ اول، تهران: ا مجد.
۳۴. قربانی، علی (۱۳۹۰). دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، چ اول، قم: انتشارات حقوق امروز قم.
۳۵. گسن، ریموند (۱۳۹۵). جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی.

۳۶. مجتهد، داود (۱۳۸۸). بررسی وضعیت قاچاق کالا در ایران و چند کشور متناظر (از نظر قوانین و عملکرد دستگاه‌ها)، ج ۳، چین، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۳۷. ----- (۱۳۸۸). بررسی وضعیت قاچاق کالا در ایران و چند کشور متناظر (از نظر قوانین و عملکرد دستگاه‌ها)، ج اول، ترکیه، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۳۸. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۴). حق دفاع متهم، علوم جنایی، ج اول (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، چ اول، انتشارات سلسبیل.
۳۹. مرتضوی، نسرین (۱۳۸۸). «محکوم اما بی‌گناه»، فصلنامه ندای صادق، ش ۲۴، ص ۱۱۲-۱۰۰.
۴۰. ملازمیان، مسعود (۱۳۷۸). سیاست جنایی-تقنینی ایران در جرایم اقتصادی، معاونت آموزش قوه قضاییه، چ اول، جاودانه.
۴۱. مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۰). سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چ اول، تهران: میزان.
۴۲. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۴). دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری، چ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی نشر دانش.
۴۳. نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷). دانشنامه جرم‌شناسی، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴۴. نورزاد، مجتبی (۱۳۸۸). سیاست جنایی ایران و سازمان ملل متحد در مقابله با جرائم اقتصادی، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۴۵. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۶). حقوق کیفری اقتصادی، چ اول، تهران: میزان.
۴۶. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۹۵). هزار نکته اقتصادی، چ اول، تهران: میزان.

(ب) خارجی

47. C.J.M. Safferling Towards an International Criminal Procedure, Oxford University Press, 2001, at 67, C. Van den Wyngaert (ed), Criminal Procedure Systems in the European Community, London Butterworths, 1993, at 15.
48. American Bar Association. ABA Journal, July 1964, Vol. 50.
49. Boyne, Shawn Mari e. (2016). The German Prosecution Service: Guardians of the Law?. Indiana: Springer
50. England & wales experts declaration; available at: <https://www.academyofexperts.org/guidance/experts-declaration/experts-declaration-criminal-proceedings-england-wales>, last seen 5/5/2017.
51. Expert registration and appointment process, available at: http://ec.europa.eu/research/participants/fp7documents/funding-guide/9_experts/1_expert-registration-and-amendment_en.htm, last seen 5/5/2017.
52. Great Britain: Law Commission.2011. Expert evidence in criminal proceedings in England and Wales. London: law commission publishing.
53. Hannibal, Martin & Lisa Mountford (2016). Criminal Litigation 2016-2017.London: Oxford University Press.
54. Harding, Andrew & Penelope Nicholson (2010). New Court in Asia. New York: Routledge
55. Miloshoska, Danijela & Larisa Vasileska (2015). PREVENTION AND DETECTION OF CUSTOMS FRAUD. Macedonia: University " St. Kliment Ohridski"press.
56. S.Kang, Michael and M.Shepherd2,Joanna.The partisan price of Justice:An EmpricalAnalysis of Campagin.Contributions And Judicial Decisions.New York University Law Review,2010.
57. Ubelaker, Douglas H. (2015). The Global Practice of Forensic Science. New York: Wiley & sons.
58. Worrall, John, M. Elaine Nugent-Borakove (2008). Changing Role of the American Prosecutor. New York: State university of new York press.
59. Wf Mc Donald (1979). The Prosecutor. Washington: Ncjrs governmental publishing Ins.